



سال ۱۳۸۴ حدود ۹۲ هزار میلیارد تومان نقدینگی و دقیقاً ۲ برابر همین مبلغ یعنی ۱۸۴ هزار میلیارد تومان تولید داشتیم. یعنی به ازای هر یک ریال نقدینگی ۲ ریال تولید داشته ایم. پایان سال ۹۰ نقدینگی ما به اندازه ای زیاد شده است و تولید به آن اندازه زیاد نشده است که در ازای یک ریال نقدینگی کمتر از ۱/۴ ریال تولید کرده ایم

شکاف در آمو هزینه هدفمندی حاصل می شود. برآوردهای شان افزایش چند برابری نرخ حامل های انرژی است. اگر این اتفاق بیفتد منابعی آزاد خواهد شد. البته از نظر اقتصادی این جابجش کشتش قیمتی کالا هم وجود دارد. یعنی وقتی قیمت کالا را ۵۰۰ درصد افزایش می دهید، تقاضا آن قدر افزایش نمی یابد، بسته به اینکه کالا چقدر ضروری یا غیر ضروری باشد، تقاضا و مصرف آن هم کاهش می یابد. لذا آن عددی که گفته شده است قابل تحقق نیست مگر این که قیمت ارز گران شود. من در همین رابطه متنی نوشته ام تحت عنوان پیامدهای اجرای مرحله نخست هدفمندی یارانه ها که الزامات اجرای مرحله دوم این قانون و قیمت حامل های انرژی را در کانون مرتبط کرده ام با قیمت جهانی این حامل ها و نرخ ارز، دقیقاً مثل طلا که قیمت آن در داخل مساوی است با قیمت جهانی طلا ضرب در نرخ ارز آن هم نه نرخ مبادله ای بلکه نرخ آردارز که در بازار خرید و فروش می شود. اگر قیمت جهانی حامل های انرژی گران شود طبیعی است مصرف کننده مادر داخل هم باید گران تر بخرد اگر فقط همین عامل تاثیر گذار باشد مشکل چندانی وجود نخواهد داشت چرا که افزایش قیمت جهانی این حامل ها معمولاً چندان شدید نیست. اما این نرخ باید ضرب در نرخ ارز در داخل شود. خوب نرخ ارز در همین چند ماهه اخیر نسبت به زمان مصاحبه دیده اید چه بلایی بر سر اقتصاد ایران آورده است. این اتفاق بلافاصله به صورت خود کار به قیمت حامل های انرژی منتقل می شود. حال ۲ صورت خارج نیست. یا شما این را اعمال می کنید همچنان که قانون پیش بینی کرده است. در ماده ۲ قانون هدفمند کردن یارانه ها آمده است: دولت مجاز است برای مدیریت آثار نوسان قیمت حامل های انرژی در اقتصاد ملی، قیمت این حامل ها را در صورتی که تا ۲۵ درصد قیمت تحویل در روی کشتی یا فوب خلیج فارس، نوسان کند، بدون تغییر قیمت برای مصرف کننده از طریق اخذ مابه التفاوت یا پرداخت یارانه اقدام نماید، یعنی تا ۲۵ درصد نوسان قیمت را مدیریت کند. در ادامه این ماده آمده است: اما در صورتی که نوسان قیمت ها بیش از ۲۵ درصد باشد، در قیمت تجدید نظر خواهد کرد. پس بر اساس این قانون چیزی تحت عنوان قیمت ثابت حامل های انرژی نداریم، بلکه قیمت سیال است. خوب ببینید آیا اقتصاد ملی ما کشتش چنین تغییراتی را دارد؟ الان در ارزیابی اجرای مرحله نخست هدفمندی می بینیم که اتفاقی که افتاده این است که نه فقط به نقطه صفر بازگشته ایم بلکه خیلی هم از نقطه صفر دور شده ایم. دلیل هم دارد. کافی است ببینیم زمانی که این پروژه شروع شد چه میزان یارانه نهفته در حامل های انرژی داشتیم و الان چقدر داریم. کافی است قیمت دلار ۱۲۲۶ تومان را با نرخ فعلی که نزدیک ۴ هزار تومان است مقایسه کنیم. این ۳ برابر شدن یعنی یارانه ضمنی که در حامل ها وجود دارد ۳ برابر شده است. به عبارت دیگر ما دستاوردهای قانون را به تناسب افزایش نرخ ارز از دست داده ایم. به نظر من همه این موارد برای دولت بعدی چالش است. یعنی دولت بعدی یک پروژه اجرا شده دارای ریل منظمی را تحویل نمی گیرد، بلکه پروژه ای را تحویل می گیرد که بخشی از اجرای آن اصلاً اجرا نشده یا خیلی کم اجرا شده است. ماده ۸ این قانون برای کمک به تولید معطل است.

به نظر می رسد بسیاری از معضلات فعلی اقتصاد کشور از اجرا نشدن همین ماده ۸ قانون است، تعداد زیادی واحد های تولیدی در سطح کشور تعطیل شده است و اگر چه اطلاع رسانی شفاف در این باره نشده است اما به طور قطع نمایندگان مجلس در جریان این اتفاقات هستند. در هر صورت مشخص است دولت فعلی چندان به اجرای این بخش از قانون هدفمندی متعهد نیست. با این شرایط برای اجرای مرحله دوم هدفمندی یا برای دولت بعدی چالش مشخصی که برای بخش تولید در این زمینه وجود دارد چگونه باید پوشش داده شود؟

یک چالش مهم دیگری که دولت بازدهم به طور قطع با آن مواجه

الان در مرحله بعدی هدفمندی هر مقدار قیمت حامل های انرژی را افزایش دهیم نمی توانیم چاله مابه التفاوت مبلغی که به مردم داده شده است را با مبلغی که بر اساس قانون می توانستیم به آن ها بدهیم پر کنیم.

ها مجموعاً ۳۳ هزار میلیارد تومان در آمد از محل اجرای این قانون کسب شده است اما از سوی دیگر مبلغی که طی ۱۵ ماه نخست به مردم پرداخت شده است، حدود ۴۹ هزار میلیارد تومان بود. این مبلغ فقط شامل پرداخت نقدی است. قانون هدفمندسازی یارانه ها در ماده ۷ و ۸ ترتیباتی اتخاذ کرده است. ماده ۷ می گوید: دولت مجاز است حداکثر تا ۵۰ درصد خالص وجوه حاصل از اجرای این قانون را در قالب بندی های زیر هزینه کند: الف- یارانه در قالب پرداخت نقدی و غیر نقدی بالحاظ میزان درآمد خانوار، ب- اجرای نظام جامع تامین اجتماعی. پس قرار بوده است ۵۰ درصد درآمد اجرای قانون در این ۲ مسیر هزینه شود. اما در ۱۵ ماه نخست اجرای قانون که ۳۳ هزار میلیارد تومان در آمد کسب شده است، فقط ۴۹ هزار میلیارد تومان پول نقد به مردم داده ایم در حالی که ۵۰ درصد ۳۳ هزار میلیارد تومان می شود ۱۶/۵ هزار میلیارد تومان. برمی گردیم به سوال اصلی شما که فرمودید مهم ترین چالش اقتصادی دولت بعدی چیست، همین الان ما هم در مجلس روی این قضیه گیر کرده ایم. یعنی الان در مرحله بعدی هدفمندی هر مقدار قیمت حامل های انرژی را افزایش دهیم نمی توانیم این چاله مابه التفاوت مبلغی که به مردم داده شده است و مردم به آن عادت کرده اند را با مبلغی که بر اساس قانون می توانستیم به آن ها بدهیم پر کنیم. نتیجه عملی آن این شده است که شاهد تخلف محرز از قانون هستیم که این برای دولت و مجلس فعلی هم مشکل ساز است و از همه مهم تر برای دولت بعدی نیز مشکل ساز خواهد بود، بالاخره دولت بعدی هم برای خود پایگاه مردمی طلب خواهد کرد. هر دولتی در پی پایگاه مردمی است. کدام دولت حاضر است روز نخست که به میدان می آید اعلام کند من نصف آن چه را که دولت قبلی به عنوان یارانه نقدی پرداخت می کرد، پرداخت می کنم. اصلاً شاید این اقدام تبعات اجتماعی داشته باشد. پس بنابرین دولت بعدی مجبور است این مسیر را ادامه دهد در حالی که منابعی هم برای این کار پیش بینی نشده است. اگر واقعاً مصلحت اجتماعی در این باشد که آزدسازی یکبار به صورت گیر دو قیمت حامل های انرژی را به شدت افزایش دهیم، این منابع برای پر کردن

به صورت کلی حضرت عالی مهم ترین چالشی را که دولت و رئیس جمهور بعدی در حوزه اقتصاد با آن مواجه است، چه می دانید؟

بسم الله الرحمن الرحیم؛ معمولاً تصمیمات و اقدامات هر دولتی به دولت بعد انتقال می یابد. اتفاقی که در دولت دهم افتاد این بود که یک برنامه بسیار تاثیر گذار اقتصادی در این دولت کلید خورد. البته دولت وعده بسته تحول اقتصادی را داده بود که تاکنون از این بسته جز هدفمند کردن یارانه ها اجرای دیگرش رونمایی نشده است. کارهای مقدّماتی بعضی دیگر از این اجزا را دیده ام که به نظر م کارهای خیلی جدی نیست به این معنا که موجب چالش برای دولت بعد شود. بعضی طرح ها در حدی که مقدماتش انجام شده است در عرصه اقتصاد کشور چندان تاثیر گذار نخواهد بود، مانند کاری که در حوزه بانکداری انجام شده است و کارهای مقدماتی آن را بنده دیده ام. اما مهم ترین موضوعی که می تواند برای دولت بعدی چالش برانگیز باشد، هدفمندسازی یارانه ها است که در دولت دهم کلید خورد. این موضوع از دوزاویه قابل بررسی است. شروع اجرای این پروژه کم نظیر فرصتی را در اختیار دولت بازدهم خواهد گذاشت. کارهای بزرگ مهم ترین مرحله اش مرحله آغاز است. خوب این آغاز در دولت دهم اتفاق افتاد و پروژه هدفمندسازی یارانه ها کلید خورد. دولت بازدهم با این فرصت روبه روست که به هر حال این پروژه بسیار ضروری برای اقتصاد ایران کلید خورده است.

بخشید یک نکته در همین جا قایل طرح است که با توجه به افزایش نرخ ارز و آمار و ارقام نشان می دهد که مابه نقطه شروع در اجرای هدفمندی یارانه ها بازگشته ایم. آیا با همین اتفاق فرصتی که از طرف دولت دهم ایجاد شده بود از دست رفته است؟

اجازه دهید درباره این موضوع در جای خود بحث کنیم. این بحث مفصل است و در جای خود به آن می پردازیم. اگر به این موضوع (کلید خوردن هدفمندسازی یارانه ها) به چشم یک فرصت نگاه کنیم این فرصت برای دولت دهم باقی خواهد ماند. اما واقعیت این است که علاوه بر شروع اجرای یک پروژه گام هایی که برای آغاز آن برداشته می شود مهم است. به خصوص اگر در ادامه مسیر مجری تغییر کند. طبیعتاً مجری جدید فقط با فرصت آغاز این پروژه مواجه نیست بلکه با چالش هایی که در مسیر اجرا پیش آمده، نیز مواجه است. در مسیر اجرای هدفمندی یارانه ها اتفاقی که افتاد این بود که دولت دهم برای پرداخت یارانه نقدی به مردم عجله زبانی کرد. در واقع نگاه دولت این بود که باید در کمترین زمان بیشترین مبلغ به مردم پرداخت شود. این نگاه همچنان وجود دارد. همین الان نگاه رئیس جمهور محترم این است که ما کل یارانه پنهان و نهفته در حامل های انرژی را آزدسازی کنیم و به طور کامل در اختیار مردم قرار و اجازه دهیم مردم خودشان آن را مدیریت کنند. این تعجیل برای دولت بازدهم به طور قطع یک چالش جدی است. همین الان برای مجلس نهم هم این یک چالش است. اجازه دهید به چند عدد و رقم اشاره کنم. طی ۱۵ ماه نخست اجرای قانون هدفمندی یارانه

